

اختلال یادگیری یا عقب ماندگی ذهنی!؟

از آنجایی که کودکان عقب مانده ذهنی نیز در یادگیری مطالب دچار مشکلاتی هستند، گاهی کودک مبتلا به اختلال یادگیری اشتباهاً عقب مانده ذهنی تصور می شود.



از آنجایی که کودکان عقب مانده ذهنی نیز در یادگیری مطالب دچار مشکلاتی هستند، گاهی کودک مبتلا به اختلال یادگیری اشتباهاً عقب مانده ذهنی تصور می شود.

امروزه مسأله ناتوانی های خاص یادگیری و یا مشکلات کودکان و نوجوانان در یادگیری بعضی از موضوعات آموزشی ، به طور چشم گیری توسعه پیدا کرده و توجه متخصصان و متولیان مسائل آموزشی کودکان ، بیش از پیش به آنها معطوف شده است . بهتر است بدانید در کنار کودکان عقب مانده ذهنی و درصدی از کودکان نابینا و ناشنوا، کودکانی هستند که بدون اینکه از این مشکلات برخوردار باشند مسائل را درک نکرده و با اینکه نسبت به همسالان خود از هوش متوسط یا بالاتر برخوردار هستند قادر به درک مسائل مختلف نیستند.

در واقع این دسته افراد که عمدتاً به لحاظ هوشی در سطح طبیعی قرار دارند ، گروه ناهمگن و غیر یکنواختی را تشکیل می دهند که به هیچ وجه در قالب گروه بندی معمول کودکان استثنایی نمی گنجد ولی از نظر رشد زبان ، ادراک بینایی ، شنوایی و یا در یادگیری ، خواندن ، صحبت کردن ، هجی کردن ، نوشتن و حساب کردن دچار مشکل هستند.

انواع ناتوانی های خاص یادگیری
عموماً در ناتوانی های خاص یادگیری، برای ناتوانی شدید در خواندن اصطلاح " دیسلکسیا " یا " نارساخوانی " و برای اختلال در زبان آموزی از اصطلاح " آفازی " استفاده می شود . کسانی که از نظر خواندن و هجی کردن دچار مشکل هستند (دیسلکسیک) عمدتاً با دشواری های زیر مواجه اند :

۱/ اشکال در درک و یادگیری لغات و یاعلائم بصری

۲/ وارونه دیدن حروف یا کلمات و یا درک نامرتب حروف

۳/ اشتباه در هجی کردن کلمات

۴/ داشتن دستخط ناخوانا

۵/ داشتن انشای ضعیف

آفازی

یکی از اختلالات خاص در این زمینه اختلال در زبان آموزی است که به آن " آفازی " می گویند . آفازی یا اختلال رفتار سمبولیک (نمادین)، آزمنداول ترین مشکلات درصد قابل توجهی از دانش آموزان در یادگیری مفاهیم است. کودکان مبتلا به آفازی ، عمدتاً دچار اختلال شدید در یاد آوری، بازشناسی و استفاده از علائم یادگیری هستند .

از آن جا که در قالب موارد در یادگیری مسائل انسان با سمبلها (علائم یادگیری) سر و کار دارد ، آفازی را می توان اختلال در رفتار سمبولیک ترقی کرد . گاه این اختلال در رفتار سمبولیک خارجی ظاهر می شود ، مثل صحبت کردن ، خواندن و نوشتن . آفازی ممکن است به سمبولها (نماد های) کلامی و نیز غیر کلامی ظاهر شود. مانند نشناختن رنگ چراغ های راهنمایی که یک نوع آفازی غیر کلامی است و در عین حال با یادگیری ارتباط دارد. از جمله انواع مهم آفازی ها می توان از اختلال در درک و دادن پاسخ متناسب به سمبولهای شنوایی و اختلال در درک و فهم سمبلهای بینایی نام برد.

شناخت و درمان

از نظر آماری ، با توجه به تحقیقات صورت گرفته بین یک تا سه و حداکثر تا هفت درصد از کودکان سنین دبستانی به نحوی نیاز به آموزش خاص درمانی برای اصلاح و یا بهبود ناتوانی خاص یادگیری دارند . برای شناخت و درمان کودکان مبتلا به ناتوانی های یادگیری ، با توجه به تنوع و پراکندگی انواع مختلف ناتوانی ها در یادگیری و علل مختلف آن ، متخصصان امر از روش های گوناگونی بهره می جویند در این میان می توان از روش های عصبی ، روشهای ادراکی حرکتی ، روشهای ادراکی بصری ، روشهای چند حسی و ... نام برد.

در هر حال آنچه میان این روش‌ها حائز اهمیت است، توجه به شیوه آموزش انفرادی است روشی که با تدریس در کلاس‌های عادی کاملاً متفاوت بوده و آموزش به فرد مستلزم تشخیص و ارزیابی جامع اختلالات کودک و طرح ریزی برنامه آموزشی ویژه خود کودک خواهد بود.

از آنجا که اختلالات یادگیری پدیده بسیار پیچیده‌ای است و کودکان مبتلا به آن هر کدام از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند، لذا درک ویژگی‌ها و نیازهای خاص هر کودک، امری بسیار مهم و حائز اهمیت در درمان و اصلاح مشکلات او تلقی می‌شود. نکته:

نکته‌ای که تأکید بر آن به خصوص برای مربیان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، توجه دقیق در مورد شناخت این قبیل کودکان است. متأسفانه برای بعضی از مربیان "اصطلاح ناتوانی‌های خاص" چندان مفهوم نیست، و از آنجایی که کودکان عقب مانده ذهنی نیز در یادگیری مطالب دچار مشکلاتی هستند، گاهی کودک مبتلا به اختلال یادگیری اشتبانه‌اً عقب مانده ذهنی تصور می‌شود (در حالی که باید توجه داشت که ناتوانی کودکان عقب مانده در یادگیری مطالب و مفاهیم متفاوت، یک نقص و ناتوانی عمومی است و به یک مشکل خاص محدود نمی‌شود).

درواقع استفاده از این کلمه خاص برای توصیف کودکانی که دچار اینگونه اختلالات هستند برای این است که بر مربیان معلوم گردد که این کودکان، عقب ماندگان ذهنی دچار مشکلات عمومی در یادگیری نیستند، بلکه اشکالات اختصاصی دارند و از نظر هوشی همانند کودکان عادی هستند و کافی است این مشکل به نحوی توسط پزشکان، مربیان و ... برطرف گردد. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده اصطلاح ناتوانی‌های خاص یادگیری، به اختلال شدید در کنش‌های مغزی که مانع رشد طبیعی کودک در زمینه‌های صحبت کردن، تفکر، ادراک، خواندن، هجی کردن، مشق نوشتن و دیکته است، اطلاق می‌گردد.

اما بهتر است در اینجا به مراکزسنجش هوش در کودکان اشاره کرد که امروزه با سنجیدن هوش کودکان در امور مختلف و همچنین تقویت هوش آنها از طریق بازی‌های مختلف فکری و... نقش به‌سزایی را در پیشگیری از بروز اینگونه مشکلات در کودکان داشته‌اند.